

علیرغم اصول باکونینیستی، مجبور به شرکت در دولت موقت انقلابی شد. انگلس می‌گوید: "باکونینیستها سالهای متمادی این ایده را اشاعه می‌دادند که هرگونه عمل انقلابی از بالا به پائین عمل خالص است و همه چیز باید از پائین به بالا سازماندهی و اجرا گردد". پس، این جواب انگلس است به سوال کلی "از بالا یا از پائین" ایسکرا. اصل "ایسکراشی" فقط از پائین، از بالا هرگز، یک اصل آنارشستی است. انگلس در نتیجه‌گیری‌اش از انقلاب اسپانیسا می‌گوید: "باکونینیستها تشه‌نامه‌ی تازه اعلام کرده‌شان را که بر اساس آن تاسیس یک دولت انقلابی تنها فریبی تازه و خیانتی جدید به طبقه کارگر بود [همان چیزی که اکنون پلخانف می‌کوشد مارا به پذیرفتنش ترغیب کند] پس گرفتند، آنهم با ظاهر شدن حق بحانبشان در کمیته‌های دولتی شهرهای مختلف - و تقریباً درهمه جا بصورت اقلیتی ناتوان و در استعمار سیاسی بورژوازی". پس آنچه برای انگلس ناخوشایند است این واقعیت است که باکونینیستها در اقلیت بودند، و نه این واقعیت که آنها در این کمیته‌ها حضور داشتند. انگلس در خاتمه جزوه‌اش اعلام می‌کند که نمونه باکونینیستها "نمونه‌ایست از اینکه چگونه باید انقلاب کرد".

چنانچه مارتف کار انقلابیش را منحصر به عمل از پائین محدود کند، همان اشتباه باکونینیستها را تکرار کرده است. ایسکرا، اما، پس از اختراع اختلافاتی در باب نکات اصولی با وبریود، به نقطه نظر خود ما می‌رسد. بعنوان مثال، مارتینف می‌گوید که پرولتاریا، به‌مراه مردم مشترک، باید بورژوازی را وادار سازد که انقلاب را به فرجام نهائی برساند. اما این چیزی جز دیکتاتوری انقلابی "مردم"، یعنی پرولتاریا و دهقانان، نیست. بورژوازی ابداً چنین تمایلی ندارد که انقلاب را به فرجام نهائی‌اش برساند. اما مردم به دلیل شرایط اجتماعی زیستشان از خواستن آن

■ Credo - کردو

گریزی ندارند . دیکتاتوری انقلابی آنان را آموزش داده به زندگی سیاسی می‌کشاند.

ایسکرا در شماره ۹۵ خود می‌نویسد :

"اما اگر دیالکتیک درونی انقلاب سرانجام ما را بر خلاف میلمان در زمانی به قدرت برساند که شرایط ملی هنوز برای برقراری سوسیالیسم آماده نیست ، ما با عقب‌نخواهیم کشید . ما درهم شکستن چهارچوب تنگ ملی انقلاب و بسوی انقلاب سوق دادن دنیای غرب را هدف خود قرار خواهیم داد ؛ همان کاری که فرانسه یک قرن پیش با شرق کرد ."

به این ترتیب ، ایسکرا خود می‌پذیرد که اگر ما ، از بخت بد ، پیروز شویم ، مجبور خواهیم بود در انطباق با موضع و پیروی عمل کنیم . بنا براین ، در زمینه عملی این مسأله ، "ایسکرا" از "وپر-بود" پیروی می‌کند و موضع خویش را تضعیف می‌نماید . تنها چیزی که من نمی‌توانم بفهمم اینست که چگونه ممکن است مارتف و مارتینف را برخلاف مین خودشان به قدرت رساند . سفاکت شاخ و دم ندارد !

ایسکرا فرانسه را نمونه می‌آورد ، اما آن فرانسه فرانسه و ژاکوبینی بود ، متریک ساختن از ژاکوبینیسم در زمان انقلاب حقسه مبتدلی است . دیکتاتوری دموکراتیک ، همانطور که قبلاً متذکر شدم ، نه سازمان "نظم" که سازمان جنگ است ، حتی اثر بطرز بزرگ را بگیریم و نیگلا را هم سردن بزنیم ، باز مجبوریم با وانده "آهای زیادی تسویه حساب کنیم" . ماکس این نکته را بخوبی درک کرده بود وقتی در ۱۸۴۸ در "نویه راییش زایتونگ" مجدداً از ژاکوبین ها یاد کرد او گفت : "دوران حکمفرمایی وحشت در ۱۷۹۳ چیزی جز شیوه پلینی تسویه حساب با استبداد و ضد انقلاب نبود" . ما نیز ترجیح می‌دهیم که با استبداد روسیه با شیوه های "پلینی" تسویه حساب کنیم و شیوه های ژبروندیستی را به ایسکرا واگذار نمائیم . انقلاب روسیه شرایطی را پیش روی دارد که در خستگی منحصر بفرد است (یک جنگ ضد

مردمی، محافظه‌کاری آسیایشی استبداد، وغیره)، و امید به پیروزی قیام را امید موجهی می‌سازد. خشم انقلابی پرولتاریا می‌توان گفت هر ساعت اوج تازه‌ای می‌گیرد. در چنین لحظه‌ای، مارتینفیسم صرفاً حماقت نیست، یک جنایت تمام عیار است، چرا که توان انقلابی پرولتاریا را می‌گیرد و ثور انقلابش را به بند می‌کشد (لیادف: "صحیح است، صحیح است")^{۱۱۱} این اشتباهی است که برنشتاین در حزب آلمان، در شرایطی متفاوت و در مورد دیکتاتوری سوسیالیستی - نه در مورد مساله دیکتاتوری دموکراتیک - مرتکب شد.

برای آنکه تصور روشنی از این "سالنهای مرمرین" آنچنانسی دولت موقت انقلابی بدست داده باشم، یک ماخذ دیگر را هم در این جا نقل می‌کنم. انگلس در مقاله "مبارزه [کامپین] برای قانسون اساسی پادشاهی"^{۱۱۲} نقل می‌کند که چگونه در انقلابی در محوطه اطراف این "سالنهای مرمرین" شرکت کرد. بعنوان مثال، قیسام منطقه راین پروس^{۱۱۳} را شرح می‌دهد که یکی از صنعتی ترین مراکز آلمان بود. او می‌گوید، شانس پیروزی حزب دموکرات در آنجا بسیار قوی بود. کاری که می‌باید کرد آن بود که تمام نیروهای موجود را سرعت به ساحل راست راین فرستاد، قیام را در منطقه وسیعتری گسترش داد و سعی کرد تا هفته‌های یک ارتش انقلابی را با کمک *Landwehr* (میلینیا) تشکیل داد. این دقیقاً پیشنهاد انگلس بود وقتی که به البرفرد (*Elberfeld*) رفت تا هرآنچه از دستش برمی‌آمد برای عملی ساختن نقشه‌اش انجام دهد. او رهبران خرده‌بورژوا را بغاطر ناتوانیشان در سازماندهی قیام، بغاطر قصورشان در جمع

۱۱۱ جنگ روسیه و ژاپن در ۱۹۰۵ - م

۱۱۲ *Die Reichsverfassungskampagne* - کلیات آنارمارکس و انگلس برین

انگلیسی، جلد ۱۰، صفحات ۲۳۹ - ۱۴۹. لنین در سخنرانی خود نام

این مقاله را به آلمانی ذکر کرده است - م

Rhenish Prussia ۱۱۳

آوری پول فی المثل ، برای اداره و رفع فایده‌های کارگزارانی که
باریکاده‌ها می‌جنگیدند، و غیره، مورد حمله قرار می‌دهد . اومی‌گوید
آنان می‌بایست با قدرت‌تر عمل می‌کردند . اولین اقدام آنان باید
این می‌بود که "ارتش‌شهروندان البرفرد" را خلع سلاح و اسلحه‌هایش
را در بین کارگران توزیع نمایند، و سپس برای اندازه و رفع فایده‌های
کارگزارانی که به این ترتیب مسلح شده بود، یک مالیات اجباری بر-
قرار کند . اما این پیشنهاد، انگلس می‌گوید، فقط و فقط از جانب
من شد . کمیته "محترم" امنیت عمومی "کوچکترین تمایلی به دست‌زدن
به چنین اقدامات تروریستی" نداشت .

بنابراین ، درحالی‌که مارکس و انگلس ما - یعنی مارتینس و
مارتف (قهقهه حاضر) - می‌کوشند ما را از مترسک ژاکوبینیسم بترسانند،
انگلس خرده‌پورژوازی را بخاطر خوار شمردن شیوه "عمل ژاکوبینی"
مورد شمت قرار می‌دهد . او درک می‌کرد که رفتن به جنگ و - درجه -
بان جنگ - چشم پوشیدن از خزانه دولت و قدرت حکومتی یعنی سرگرم
شدن به یک بازی لغات بیخودویی ارزش . خوب پس پول قیام ، اگر
[تبدیل به] قیامی همگانی بشود را از کجا می‌آورید، آقایان ایسکرای
جدید؟ حتما نه از خزانه دولت؟ آنکه بورژوازی است! آنکه
ژاکو بنیسم است!

در باره قیام بادن (Baden) انگلس می‌نویسد : "دولت قیام
از هر نظر شانس موفقیت داشت ، به این معنا که [به] ... ارتشی حاضر
و آماده ، زرادخانه‌های پر... یک خزانه دولتی پر، و آنچه عملاً
حمایت یکبارچه مردم نامش بود دست یافت . بعد از واقعه [قیام]
همه درک می‌کردند که در آن شرایط چه باید کرد . آنچه می‌باید کرد
عبارت بود از : سازمان دادن ارتشی بمنظور حفظ و حراست "مجلس
ملی" ، عقب‌راندن اطربشی‌ها و پروسی‌ها ، کشاندن دامنه شورش به
ایالات همجوار، و قرار دادن به اصطلاح "مجلس ملی" متزلزل آلمان
زیر نفوذ تروریستی مردم بهاخاسته و ارتش قیام ... علاوه بر آن ،
لازم بود به قدرت قیام مرکزیت داده شود، وجوه لازم در اختیارش
گذارده شود و حسن نظر اکثریت وسیع دهقانی تشکیل دهند جمعیت

از طریق محو و نابود ساختن کلیه فشارهای فئودالی ... جلب گردد. اما همه اینها، اگر قرار بود با سرعت لازم و برای تضمین پیروزی انجام شود، باید بلادرنگ در اولین لحظات به اجرا درمی آمد.*. یک هفته پس از انتخاب "کمیته امنیت" دیگر خیلی دیر شده بود.

ما یقین داریم که وقتی قیام در روسیه آغاز شود سوسیال دموکراتهای انقلابی، به پیروی از نمونه انگلس، بعنوان سربازان انقلاب ثبت نام خواهند کرد و توصیه هایشان هم از همان نسوع "ژاکوبینی" خواهد بود. لیکن ایسکرا ترجیح می دهد در باره رنگ پاکت اوراق رای بحث کند، اما مساله دولت موقت انقلابی و مساله یک گارد انقلابی برای مجلس موسسان را مسکوت بگذارد. ایسکرای ما تحت هیچ شرایطی "از بالا" اقدام نخواهد کرد.

انگلس از کارلسروهه (Karlsruhe) به فالتز (Pfalz) رفت، جایی که دوستش دستر (D'ester) (که یکبار انگلس را از بازداشت آزاد کرده بود) در آنجا در دولت موقت بود. انگلس می گویند: "از شرکت رسمی** در جنبشی که بکلی با حزب ما بیگانه بود در این مورد نیز آشکارا نمی توانست سخنی در میان باشد". او مجبور نبود "تنها موضعی را که هر دست اندرکار نویسه را بنییش زایتونگ می توانست بگیرد اتخاذ کند: موضع یک سرباز را". ما پیش از این در باره از هم پاشیدن "اتحادیه کمونیستها"، که انگلس را عملاً از تمام پیوندهایش با سازمانهای کارگری محروم کرد، سخن گفتیم. ایسین [نقل قول] قطعه ای را که [پیش از این در باره "اتحادیه کمونیستها"] نقل کردیم روشن می کند: انگلس می نویسد: "بست های لشکری و کشوری زیادی به من پیشنهاد شد، بستهایی که در یک جنبش پرولتری لحظه ای در پذیرفتنش درنگ نمی کردم. [اما] تحت آن شرایط همه را رد کردم". همانطور که می بینیم انگلس تری نداشت که از بالا اقدام کند؛

* این جمله از متن انگلیسی مقاله انگلس ترجمه شده است - م

او تری نداشت از اینکه پرولتاریا ممکن است خیلی سازمان یافته و خیلی قوی شود، [تا آنجا] که به شرکتش در دولت موقت بیانجا مد، برعکس، او تاسف می‌خورد از اینکه جنبش، به دلیل سازمان نیافتگی کامل کارگران، آنقدر که باید موفق نبود، آنقدر که باید پرولتری نبود. اما حتی تحت همین شرایط نیز انگلس پستی را پذیرفت: او بعنوان آچودان ویلیچ (Willich) در ارتش خدمت کرد؛ رساندن مهمات، یعنی حمل و نقل باروت، سرب، پوکه فشنگ و غیره را در سخت ترین شرایط برعهده گرفت. انگلس می‌نویسد: «مزدن برای جمهو- ری (از آن پس) هدف من بود».

اینک قضاوت را برعهده شما رفا می‌گذارم: قضاوت کنید که آیا این تصویر از یک دولت موقت، تصویری که مطابق گفته‌های انگلس ترسیم شده، به "سالنهای مرمرینی" که ایسکرای جدید بعنوان مترک و برای ترساندن کارگران از ما بلند کرده است شباهتی دارد یا نه.

(کف زدن حضار) (سخنران طرح قطعنامه خود را قرائت می- کند و آنرا توضیح می‌دهد)

طرح قطعنامه درباره

دولت موقت انقلابی

۱ - نظر به اینکه هم منافع بلاواسطه* پرولتاریای روسیه و هم منافع مبارزه* آن برای اهداف غائی سوسیالیسم مستلزم بالاترین حد ممکن آزادی سیاسی و، در نتیجه، جایگزینی شکل استبدادی حکومت با جمهوری دموکراتیک می باشد؛

۲ - نظر به اینکه قیام مسلحانه مردم، در صورت موفقیت کامل، یعنی در صورت سرنگونی کامل استبداد، الزاما به تاسیس یک دولت موقت انقلابی، یعنی تنها [دولتی] که قادر است آزادی کامل تهیه را تأمین کند و مجلس موسسانی را که بیانگر واقعی اراده مردم بسوده و براساس حق رای همگانی، مستقیم و مساوی با رای مخفی انتخاب خواهد شد، فرا خواند، خواهد انجامید؛

۳ - نظر به اینکه این انقلاب دموکراتیک سلطه* بورژوازی را، که در مقطع معینی ناگزیر به هر کوششی جهت بازپس گرفتن هر چه بیشتر دستاوردهای دوران انقلاب از پرولتاریای روسیه توسل خواهد جست تضعیف کرده، بلکه برعکس موجب تقویت [این سلطه] خواهد شد؛ -

بنابراین کنگره سوم ح. ک. س. د. ر. مقرر می‌دارد که:

الف - ما باید اعتقاد کامل به ضرورت مطلق یک دولت موقت انقلابی را در میان طبقه کارگر بسط داده، و در جلسات کارگری در باره شرایط لازم جهت تحقق کامل وفوری کلیه مطالبات آتی سیاسی و اقتصادی برنامه خود به بحث بپردازیم؛

ب - در صورت پیروزی قیام مردم و سرنگونی کامل استبداد، نمایندگان حزب ما می‌توانند بمنظور پیشبرد مبارزه‌ای بی‌امان علیه هرگونه تلاش ضد انقلابی و بمنظور دفاع از منافع مستقل طبقه کارگر، در دولت موقت انقلابی شرکت جویند؛

ج - شرایط اساسی چنین شرکتی عبارتند از : کنترل دقیق این نمایندگان بوسیله حزب ، و پاسداری مستمر از استقلال حزب سوسیال دموکرات که برای انقلاب کامل سوسیالیستی مبارزه میکند و بنابراین ، مخالف سازش نا پذیر کلیه احزاب بورژوازی است .

د - صرف نظر از اینکه آیا شرکت سوسیال دموکراتها در دولت موقت انقلابی ممکن باشد یا نه ، ما باید این ایده را که پرولتاریای مسلح ، به رهبری حزب سوسیال دموکرات ، باید دولت موقت را جهت دفاع ، تحکیم و بسط دستاوردهای انقلاب بطور مستمر تحت فشار قرار دهد ، در میان وسیع ترین بخشهای پرولتاریا تبلیغ نماییم .

تاریخ نگارش : پیش از ۱۸ آوریل (۱ مه) ۱۹۵۵

۱۵

سخنرانی درباره

اصلاحیه‌های قطعنامه دولت موقت انقلابی

۱۹ آوریل (۲۴ مه) ۱۹۰۵

من در مجموع با رفیق زیمین (Zimin) هم نظیده‌ام . کاملاً طبیعی است که من ، بعنوان یک سیاسی نویسنده ، می‌باید به جنبه‌های انشائی فرمولبندی مسأله توجه می‌کردم . رفیق زیمین هدفی را که مبارزه ما دنبال می‌کند کاملاً بجا مورد تأکید قرار داده است و من با تمام گفته‌های او موافقم . بدون اینکه انتظار تسخیر نقطه‌های را که برایش می‌جنگیم داشته باشیم نمی‌توانیم بجنگیم ...

اصلاحیه رفیق زیمین بر بند ۲ [که می‌گوید] : "تاسیس یک دولت موقت انقلابی ، یعنی تنها دولتی که ... الی آخر ، منظور ما را کاملاً برآورده می‌سازد و من بی هیچ تاملی آنرا می‌پذیرم ."

این در مورد اصلاحیه بند ۲ سر صادق است ؛ بسیار بحال مناسب است که در اینجا نشان داده شود که تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی حاضر ، بورژوازی الزاماً قویتر خواهد شد .

در بند (الف) قطعنامه ، عبارت "پرولتاریا ... را مطالبه می‌کند" بهتر از فرمولبندی من است ، زیرا جای تأکید را تعبیر داده و تأکید را بر پرولتاریا می‌گذارد . در بند (ب) اشاره سه وابستگی به تناسب قوا کاملاً بجاست . این فرمولبندی ، بد اعتقاد من ، اصلاحیه رفیق آندریف (Andreyev) را نیز غیر ضروری می‌سازد . من ، مایلم نظر رفقای روسی را درباره اینکدآیا اصطلاح "مطالبات آسی"

بقدر کافی روشن است و با آنکه باید [عبارت] "برنامه حداقل" را نیز در پرانتز ذکر کرد، بدانم . در بند (ج) من لغت "عبارت" انگلیسی را بکار برده‌ام ، بر حالیکه رفیق زیمین عبارت "باید باشد" را پیشنهاد می‌کند؛ پیدا است که یک تصحیح نگارشی در اینجا لازمست . در آنجا که از کنترل حزب صحبت شده ، من فکر می‌کنم فرمولبندی قدیمی من ، یعنی "پاسداری از استقلال حزب سوسیال دموکرات" بهتر از "حفظ" باشد که رفیق زیمین پیشنهاد می‌کند . وظیفه ما نه تنها "حفظ" استقلال حزب سوسیال دموکرات ، بلکه "پاسداری" مستمر از آنست . اصطلاح رفیق سوسنفسکی (*Sosnovsky*) بر این بند ، با نامفهوم تر کردن فرمولبندی آن را ناقص می‌کند . تغییرات پیشنهادی رفیق آندریف بعضا در بندهای قطعنامه من و قطعنامه رفیق زیمین ملحوظ است . در ضمن ، مشکل که درست باشد . آنطور که رفیق آندریف پیشنهاد می‌کند ، "دولت موقت" را بصورت جمع بکار برد . البته ممکن است ما دولت‌های موقت زیادی داشته باشیم ، اما نباید آنها عمده کنیم ، زیرا که ما به هیچ معنا برای چنین تقسیم بندی [کشوری ای] مبارزه و تلاش نمی‌کنیم . ما همواره خواهان یک دولت موقت واحد سراسری خواهیم بود و خواهیم کوشید که "یک مرکزیت واحد ، و آنها یسک روسی اش را" بوجود آوریم . (خنده حضار)

■ نگاه کنید به بند (ج) در بخش ۱۴ . ترجمه دقیق (تحت الفظی) این بند باید چنین می‌بود: "شرایط اساسی چنین شرکتی ، کنترل دقیق ... و حراست مستمر از استقلال ... هستند" . تذکر لنین نیز مربوط به همین کلمه "هستند" است که بجای آن ما "اند" را مشخص کرده‌ایم

م -

گزارش پیرامون

قطعه‌نامه درباره پشتیبانی از جنبش دهقانی

۱۹ آوریل (۴۲)

نظر به بیانیتهای هفده تن از رفقا که ضمن آن [کنگره] را بسه
نیاز مبرم سرعت دادن به کار کنگره توجه داده‌اند، کوشش می‌کنم تا
حد امکان به اختصار صحبت کنم. در مساله مورد بحث نکته اصولی
نا روشن و حل نشده‌ای بمعنای دقیق کلمه وجود ندارد؛ حتی در طی
بحران حزبی، که سرشار از اختلاف نظر در مورد نکات "اصولی" بود،
یک چنین نکاتی ابدا مطرح نشد.

بعلاوه، پیش‌نویس قطعه‌نامه مدت‌ها پیش در وپریود به چاپ
رسید؛ بنابراین من خود را صرفاً به حمایت از قطعه‌نامه محدود
می‌کنم.

مساله پشتیبانی از جنبش دهقانی دارای دو جنبه است: ۱-
مبانی، و ۲- تجربه عملی حزب. جنبه دوم مساله را گزارشگر
دوم ما، رفیق بارزوف که با پیشرفته‌ترین جنبش دهقانی ما- در
گوریا (Guria) - آشنائی کامل دارد، مورد بررسی قرار خواهد داد.
در مورد مبانی مربوط به این مساله باید گفت که اکنون مطلب
بر سر تایید مجدد شعارهای طرح و تدقیق شده از جانب سوسیال دمو-
کراسی، و تطبیق این شعارها بر جنبش دهقانی امروز است. ایمن
جنبش اینک پیش چشم ما در حال رشد و گسترش است. دولت‌سازی
قدیمی تلاش برای فریب دهقانان با امتیازات فلابی را از سر گرفته
است. این سیاست مفسده‌جویانه باید با شعارهای حزب ما مقابل
گردد.

این شعارها، به اعتقاد من، در "پیش‌نویس قطعه‌نامه" زهر
طرح شده‌اند:

"حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه ، بعنوان حزب پرولتاریای آگاه ، برای رهائی کامل همه زحمتکشان از قید هرگونه استثمار تلاش می‌کند ، و از هر جنبش انقلابی علیه نظام اجتماعی و سیاسی کنونی پشتیبانی می‌نماید . بنا براین ، ح . ک . س . د . ر . ، منجمله از جنبش دهقانی کنونی پشتیبانی و از تمام اقدامات انقلابی که قادر باشد وضع دهقانان را بهبود بخشد طرفداری می‌نماید ، و برای رسیدن بسنه این هدف تا حد طلب مالکیت املاک اربابی به پیش خواهد رفت . در عین حال ، ح . ک . س . د . ر . بعنوان حزب طبقاتی پرولتاریا ، مستقیماً و بی هیچ کجروی در جهت تشکل طبقاتی و مستقل پرولترهای روستا فعالیت نموده و همواره این تعهد خود را بیاد خواهد داشت که باید تعارض منافع این طبقه با منافع بورژوازی دهقانی را برایشان روشن سازد و آنان را به این درک برساند که تنها مبارزه مشترک پرولتاریای شهر و روستا علیه کلیت جامعه بورژوا می‌تواند به انقسلاب سوسیالیستی ، تنها انقلابی که قادر به رهانیدن واقعی توده فقیر و روستا از قید فقر و استثمار است ، بیانجامد ."

"بعنوان شعاری عملی برای کار تهییج در میان دهقانان ، و به عنوان وسیله‌ای برای رسوخ حد اعلای آگاهی سیاسی به درون این جنبش ، ح . ک . س . د . ر . تشکیل فوری کمیته‌های انقلابی دهقانی را برای پشتیبانی همه جانبه از تمامی اصلاحات دموکراتیک و اجرای کامل آنها پیشنهاد می‌نماید . در این کمیته‌ها نیز ح . ک . س . د . ر . برای تشکل مستقل پرولتاریای روستا بمنظور پشتیبانی از کل دهقانان در اقدامات انقلابی - دموکراتیک شان از یک طرف ، و بمنظور پاسداری از منافع واقعی پرولتاریای روستا در مبارزه اش علیه بورژوازی دهقانی از طرف دیگر ، خواهد کوشید" (وپریود ، شماره ۳۳) .

■ Agitation - آژیتهسیون؛ تبلیغ

■ رجوع کنید به جلد ۸ کلیات آثار لنین (انگلیسی) ، صفحات ۲۲۶ - ۲۲۵ [جزوه "هفت مقاله درباره مساله ارضی و جنبش دهقانی" ، لنین ، ترجمه اتحاد مبارزان کمونیست ، صفحات ۲۵ - ۲۴ با مختصر تفسیراتی ؛ نگاه کنید به دو پاورقی زیر]

این پیش نویس در "کمیته ارضی"، که پیش از [تشکیل] کنگره از جانب نمایندگان انتخاب شده بود تا به تهیه آن اقدام کند، مورد بحث قرار گرفت. اگر چه اختلاف عقیده در این باره چشمگیر نبود، اما چند گرایش عمده بوضوح قابل تشخیص بود، و این گرایشات است که من در نظر دارم مورد بررسی قرار دهم. جوهر اقدامات انقلابی ممکن و ضروری در قلمرو مساله ارضی، بنا بر پیش نویس، عبارتست از: "بهبود وضع دهقانان". بنا بر این، قطعنامه در اینجا این اعتقاد کلی همه سوسیال دموکراتها را مبنی بر اینکه از طریق این اقدامات به هیچگونه تغییر بنیادی در نظام اجتماعی و اقتصادی کنونی نمیتوان دست یافت، به روشنی بیان میکند. در این مورد ما با "انقلابیون سوسیالیست" اختلاف داریم. جنبش انقلابی دهقانان ممکن است به بهبود قابل ملاحظه‌ای در وضع آنان بیانجامد، اما به اینک سرمایه‌داری جای خود را به شیوه تولید دیگری بدهد نخواهد انجامید.

در قطعنامه از اقداماتی که تا حد سلب مالکیت املاک اربابی به پیش خواهد رفت، صحبت میشود. گفته میشود که این فرمولبندی در برنامه ارضی ما جرح و تعدیلی بوجود آورده است. من این عقیده را غلط میدانم. البته، انشاء [پیش نویس] را میتوان بهتر کرد، بطوریکه این منظور را برساند که این دهقانان هستند، و نه حزب ما، که تا حد سلب مالکیت پیش خواهند رفت؛ حزب ما از دهقانان پشتیبانی می‌کند و پشتیبانی خواهد کرد، حتی وقتی آنان تا حد این اقدامات پیش روند. بجای سلب مالکیت باید مفهوم

■ *Measures* - اقدامات؛ تدابیر، شیوه‌ها. در ترجمه قبلی متن این "پیش نویس" (در جزوه "هفت مقاله...")، "شیوه‌ها" بکار رفته که بنظر ما بهتر است بجای آن "اقدامات" را گذاشت - م

■ *Expropriation* - در ترجمه متن قبلی "پیش نویس" (همان کتاب صفحه ۲۴) بجای آن "مصادره" گذاشته شده که، با توجه به توضیح لنین در همین باره، مفهوم محدودتری است از "سلب مالکیت" - م

محدودتر "مصادره" را بکار برد، زیرا ما با پرداخت غرامت به هر شکل و صورتش اکیدا مخالفیم. ما هیچگاه از بکار گرفتن تدابیر از قبیل مصادره زمین پروا نخواهیم کرد. اما این حکم و اصلاحات جزئی به کنار، ما هیچ چیزی که باعث جرح و تعدیل برنامه ارضی مان شده باشد در قطعنامه خود نمی بینیم. تمام سیاسی نوپیمان سوسیال دموکرات مدام به بیان این نقطه نظر پرداخته اند که نکته مربوط به زمینهای غصبی در برنامه ما، به هیچوجه برای جنبش دهقانی محدودی قابل نمی شود، چه [بصورت] محدود کردن آن و چه [بصورت] مقید کردنش^{۱۱۱}. پلخانیف و من هر دو این را در نشریات گفته ایم که حزب سوسیال دموکرات هرگز دهقانان را از تدابیر انقلابی رفرم ارضی، منجمله "توزیع عادلانه عموریسی"^{۱۱۲} باز نخواهد داشت. بنابراین ما در برنامه ارضی مان تغییری نداده ایم. برای اجتناب از هرگونه سوء تفاهم یا سوء تعبیر ممکن، ما همین حالا باید در مورد مساله عملی پشتیبانی بگیر کردن از دهقانان موضع قاطعی بگیریم. جنبش دهقانی اینک در دستور روز است، و حزب پرولتاریا باید رسماً اعلام نماید که از این جنبش پشتیبانی کامل می کند و دامنه آنرا به هیچوجه محدود نمی کند.

قطعنامه در ادامه از لزوم توجه به منافع پرولتاریای روستا و سازماندهی مستقل آن صحبت می کند. در مقابل جمعی از سوسیال دموکراتها، مشکل که نیازی به دفاع از این بدیهیت ساده باشد، در کمیته ارضی^{۱۱۳} گفته شد که خوبست یک بند در باره پشتیبانی از انتخابات کارگران زراعی و دهقانان، بخصوص در هنگام درو، خرمنگویی، و غیره، اضافه شود. البته علی الاصول نمی توان با این مخالفتی داشت. [اما] بگذارید کارگران ما که در کار عملی هستند بگویند که درباره

Confiscation ■

Measures ■■

رجوع کنید به جزوه "هفت مقاله در باره..."، صفحات ۲۹-۳۸م

اهمیت احتمالی چنین بندی برای آینده^{۱۵} بلاواسطه چه فکر می‌کنند.

قطعنامه سپس از تشکیل کمیته‌های انقلابی دهقانی صحبت می‌کند.

این ایده که خواست تشکیل فوری کمیته‌های انقلابی دهقانی می‌باید رکن اصلی برنامه^{۱۶} ارضی ما قرار گیرد در وپریود شماره^{۱۵} طرح و بسط داده شد. حتی ارتجاعیون نیز امروز از "بهبود شرایط زندگی" حرف می‌زنند، لیکن آنها خواهان طرق رسمی و بوروکراتیک بهبودهای ظاهری هستند، در حالیکه سوسیال‌دموکراتها، طبعاً، باید خواهان طرق انقلابی برای جامه^{۱۷} عمل پوشاندن به بهبود شرایط زندگی باشند. وظیفه اصلی ما رسوخ آگاهی سیاسی به دورن جنبش دهقانی است. دهقانان به گونه‌ای مبهم می‌دانند که چه می‌خواهند، اما قادر نیستند آمال و خواسته‌هایشان را در رابطه با کل‌نظام سیاسی ببینند. و برای همین است که هفت خطهای سیاست که مساله تعبیرات سیاسی را به "بهبودهای" اقتصادی - که خود بدون تغییرات سیاسی واقعا نمی‌توانند به اجرا در آیند - تنزل می‌دهند، می‌توانند به این راحتی سرشان شیره بمالند. بنابراین، شعار [تشکیل] کمیته‌های انقلابی دهقانی تنها شعار صحیح است. بدون آنکه این کمیته‌ها قادر گردند قانون انقلابی را به اجرا گذارند، دهقانان هرگز قادر به حفظ آنچه اکنون ممکن است بدست آورند نخواهند بود. اعتراض شده است که در اینجا هم ما برنامه ارضی را، که در آن هیچگونه صحبتی از کمیته‌های انقلابی دهقانی یا وظایف^{۱۸} آنها در زمینه فرسوسجای دموکراتیک نشده است، تغییر داده‌ایم. این اعتراض وارد نیست. ما در برنامه ارضی مان تغییری نداده‌ایم، بلکه آنها در یک مورد مشخص بکار بسته‌ایم. از آنجا که بیشک کمیته‌های دهقانی تحت شرایط موجود نمی‌توانند چیزی جز انقلابی باشند، با توجه به این واقعیت، تنها کاری که ما کرده‌ایم تطبیق برنامه بر لحظه انقلابی است، نه عوض کردن آن. برنامه ما، فی‌المثل اعلام می‌کند که

■ رجوع کنید به کلیات آثار لنین، جلد ۸، صفحات ۲۲۲ - ۲۲۱ [جزوه

"هفت مقاله" در باره "..."، صفحه ۵۱]

ما حق ملل در تعیین سونوشت خویش را به رسمیت می‌شناسیم ؛ اگر شرایط مشخص باعث شود که ما طرفداری خود را از خود مختاری یک ملت خاص ، طرفداری خود را از استقلال کامل آن ، اعلام داریم ، این تغییر برنامه نخواهد بود ، بلکه کاربست آن خواهد بود . کمیته‌های دهقانی نهادهای انعطاف‌پذیری هستند که هم با شرایط کنونی تناسب دارند و هم با شرایط فرض‌کنید ، وجود یک دولت موقت انقلابی ، یعنی زمانی که [تبدیل به] ارگانهای حکومتی خواهند شد . بعضی برای این عقیده‌اند که این کمیته‌ها ممکنست بجای انقلابی ، ارتجاعی بشوند . اما ما سوسیال‌دموکراتها هرگز ماهیت دوگانه دهقان یا امکان یک جنبش دهقانی ضد پرولتری را از یاد نبرده‌ایم . مساله این نیست ، مساله آنست که در زمان حاضر کمیته‌های دهقانی که تشکیل می‌شوند تا ضامن اجرای اصلاحات ارضی باشند ، چیزی جز انقلابی نمی‌توانند باشند . در حال حاضر جنبش دهقانی بی هیچ شک و شبهه‌ای انقلابی است . بعضی می‌گویند که دهقانان بعد از آنکه زمین را گرفتند آرام خواهند شد . ممکن است . اما حکومت استبدادی آرام نخواهد شد ، اگر دهقانان زمین را بگیرند ؛ و نکته اینجاست . تنها یک دولت انقلابی و یا کمیته‌های انقلابی دهقانی می‌توانند ضامن اجرای این زمین‌گیری باشند .

و بالاخره قطعنامه در بخش موخره یکبار دیگر موضع سوسیال‌دموکراتها در کمیته‌های دهقانی را تعیین می‌کند ، که همانا ضرورت گام برداشتن با پرولتاریای روستا و سازماندهی جداگانه و مستقل آن است . در روستا ، هم ، تنها یک طبقه بیگیرانه انقلابی می‌تواند وجود داشته باشد - پرولتاریا .

طرح قطعنامه درباره

پشتیبانی از جنبش دهقانی

۱- نظر به اینکه جنبش دهقانی در حال اعتلا، با وجود خودبخودی و از نظر سیاسی ناآگاه بودن، ناگزیر جهت گیری ضد نظام سیاسی موجود و ضد طبقات ممتاز دارد؛

۲- نظر به اینکه یکی از وظایف سوسیال دموکراسی است که از هر جنبش انقلابی علیه نظام اجتماعی و سیاسی موجود پشتیبانی نماید؛

۳- نظر به اینکه، با توجه به آنچه در بالا گفته شد، سوسیال دموکرتها باید بکوشند برجستگی ها (خصائص) انقلابی - دموکراتیک جنبش دهقانی را بیرون کشیده، تقویت کنند و آنها را به نتیجه منطقی اش برسانند؛ و

۴- نظر به اینکه حزب سوسیال دموکرات، بعنوان حزب پرولتاریا، باید در هر مورد و تحت هر شرایطی برای سازماندهی مستقل پرولتاریای روستا و روشن ساختن تضاد آشتی ناپذیر منافع آن با منافع بورژوازی دهقانی برای این طبقه، قاطع و استوار فعالیت نماید؛ -

بنابراین، کنگره سوم ح. ک. س. د. ر. به کلیه سازمانهای حزب دستور میدهد؛

الف- کار تهییج را در سطح وسیع در میان پرولتاریا بسط پیش برده توضیح دهند که ح. ک. س. د. ر. این هدف را برای خسود قائل است که جنبش دهقانی کنونی را با منتهای قدرت مورد پشتیبانی قرار دهد، بدون آنکه با مظاهر انقلابی آن، و از جمله مصادره املاک اربابی، مخالفت ورزد.

ب- بعنوان شعار عملی برای کار تهیه در میان دهقانان و بعنوان وسیله‌ای برای رسوخ حد اعلای آگاهی سیاسی به درون جنبش دهقانی، باید طرحی برای تشکیل فوری کمیته‌های انقلابی، که هدفشان اجرای هرگونه رفرم ارضی به نفع دهقانان و رهایی دهقانان ازستم پلیس، مأموران دولت و اربابان خواهد بود، به موقع اجرا گذارده شود؛

ج- به منظور درهم ریختن سازمان رژیم استبدادی و پشتیبانی از یورش انقلابی بر پیکر آن، سرباز زدن از انجام خدمت نظام، پرداخت مالیات، بر رسمیت شناختن مقامات، را به دهقانان توصیه کنند؛

د- در کمیته‌های دهقانی در جهت سازماندهی مستقل پرولتاریای روستا و همبستگی هرچه نزدیکتر آن با پرولتاریای شهر در یک حزب سوسیال دموکرات واحد طبقه کارگر، فعالیت نمایند.

تاریخ نگارش: ۲۰ آوریل (۲ مه) ۱۹۰۵

۱۸

سخنرانی در باره

روابط بین کارگران و روشنفکران در داخل

سازمانهای سوسیال - دموکراتیک

۳۰ آوریل (۳۰ مه)

من نمیتوانم با رفقای که می‌گفتند ملاح نیست ذامنه* این سخن
مساله را وسیع کرد موافق باشم . بنظر من کاملا ملاح است .

در اینجا گفته شد که نمایندگان اندیشه‌های سوسیال - دموکرات -
تیک عمدتا روشنفکران بوده‌اند . اینطور نیست . طی دوره اکونومیسم
نمایندگان اندیشه‌های انقلابی کارگران بودند ، نه روشنفکران . "یک
کارگر" ، نویسنده جزوهای که با پیشگفتاری به قلم رفیق اکسرد به
چاپ رسید ، گواه این مدعا است .

رفیق سرگیف (*Sergeyev*) در اینجا اظهار داشت که اصل
انتخابی [بودن] ، [وضع] اطلاعات را بهتر نمی‌کند . اینطور نیست .
چنانچه اصل انتخابی بودن در عمل به کار بسته شده بود ، بدون
شک اکنون ما از اوضاع بهتر مطلع بودیم .

همچنین گفته شده است که انشعاب معمولا کار روشنفکران است .
این نکته مهمی است ، اما مساله را روشن نمی‌کند . من در نوشته
هایم برای نشریات مدت‌ها پیش مضافاً خواستار شده‌ام که کارگران هر
چه بیشتری وارد کمیته‌ها شوند* . دوره از کنگره دوم تا کنون از
لحاظ عدم توجه کافی به این وظیفه کاملا برجسته است . این تصویری
است که من از صحبت‌هایم با رفقای درگیر در کارهای عملی حزب گرفته -
ام . اگر در ساراتف (*Saratov*) تنها یک کارگر به کمیته راه
یافته معنایش اینست که آنها نمی‌دانسته‌اند چگونه افراد مناسب را

* نامه‌ای به یک رفیق در مورد وظایف سازماندهی ما " سپتامبر ۱۹۰۲ ،
کلیات آثار ، جلد ۶ ، صفحه ۲۳۵ [ترجمه فارسی ، نشر نوین ، صفحات ۱۰۹-۱۱۰]

از میان کارگران انتخاب کنند . بیشک این بعثت انشعاب در داخل حزب هم بوده است ؛ مبارزه بر سر کمیته‌ها اثر مغربی بر کار عملی داشته است . درست بهمین علت ، ما به هر طریق ممکن کوشیده‌ایم تا به کار فراخواندن کنگره سرعت بدهیم .

این وظیفهٔ مرکزیت آینده خواهد بود که تعداد قابل ملاحظه‌ای از کمیته‌های ما را به رسمیت بشناسد ؛ بیحالی کمیته‌چی‌ها باید که برطرف شود . (کف زدن و هو کردن حصار)

صدای رفیق سرگیف را می‌شنوم که هو می‌کند ، در حالیکه غیر کمیته‌چی‌ها کف می‌زنند . فکر می‌کنم موضوع را باید وسیع‌تر نگریست . قرار دادن کارگران در کمیته‌ها یک کار سیاسی ، و نه فقط آموزشی ، است . کارگران غریزه طبقاتی اش را دارند و ، با قدری تجربه سیاسی ، خیلی زود سوسیال دموکرات‌های محکم و ثابت قدمی می‌شوند . من قویاً از نسبت هشت کارگر به دو روشنفکر در کمیته‌های ما طرفداری می‌کنم . در صورتیکه توصیه‌ای که در نشریات حزب شده است - که کارگران هر چه بیشتری در کمیته‌ها وارد شوند - ناکافی باشد ، پیشنهاد می‌کنم که این توصیه بنام کنگره بشود .

رهنمود روشن و قاطعی که از جانب کنگره داده شود - سلاح برنده‌ایست برای مبارزه با عوام‌فریبی ؛ این خواست موکد کنگره است .

طرح قطعنامه درباره

روابط مابین کارگران و روشنفکران در داخل

سازمانهای سوسیال - دموکراتیک

۱- نظر به اینکه جناح راست حزب ما همچنان به تلاشهای سیستماتیک خود، که از روزگار اکتونومیسم آغاز گشته، بمنظور ترویج خصومت و عدم اعتماد بین اعضاء حزب، یعنی کارگران و روشنفکران؛ بمنظور معرفی سازمانهای حزبی ما بعنوان سازمانهای صرفاً متشکل از روشنفکران (اتهامی که مورد استفاده هوشمندان و دشمنان سوسیال دموکراسی قرار میگیرد)؛ بمنظور متهم ساختن سازمانهای سوسیال - دموکراتیک به تلاش برای خفه کردن حس ابتکار طبقه کارگر با استفاده از ابزار انضباط حزبی؛ بمنظور طرح نمایشی شعار "اصل انتخابی [بودن]"، و اکثراً بدون ارائه هیچگونه طرحی برای کار بست عملی آن، ادامه میدهد؛ و

۲- نظر به اینکه اعمال کامل اصل انتخابی، که در شرایط آزادی سیاسی ممکن و ضروری است، تحت [رژیم] استبدادی ناممکن میباشد، با اینحال - اگر مانعی که شکل گسترش سازمان حزب و در هم ریختگی بالفعل تشکیلاتی آن (که حزب وجودش را فقط و فقط مرهون "جناح راست سوسیال دموکراسی" است) ایجاد نمیکنند، هر سر راه نباشد - این اصل میتواند در حد بسیار وسیعتری از امروز بکار بسته شود؛

بنابراین کنگره سوم ح. ک. س. د. ر. که وظیفه خود میداند تا از طریق یک سلسله رفرمهای تشکیلاتی، پیش شرطهای کار بست واقعی اصل انتخابی را در حیات حزب تدارک ببیند، باید دیگر توجه طرفداران آگاه حزب سوسیال دموکرات طبقه کارگر را به وظیفه‌ای که در پیش روی دارند جلب میکند و از آنان میخواهد که در جهت تحکیم

پیوندهای [موجود] بین حزب و توده‌های طبقه کارگر: از طریق ارتقای بخشهای بازهموسیمتری از پرولتاریا و نیمه‌پرولترها به سطح آگاهی کامل سوسیال-دموکراتیک؛ از طریق بسط فعالیت‌های سوسیال دموکراتیک انقلابی آنان؛ از طریق سعی در این که بیشترین تعداد ممکن از کارگرانی که قابلیت رهبری جنبش و سازمانهای حزب را دارند - از طریق ایجاد هر چه بیشتر سازمانهای کارگری طرفدار حزب - از میان توده طبقه کارگر به عضویت در مراکز محلی و مراکز سراسری حزب ارتقاء یابند؛ از طریق سعی در این که آن سازمانهای کارگری که نمی‌خواهند یا نمی‌توانند به حزب وارد شوند لااقل وابسته به آن باشند، از هیچ کوششی فروگذار ننمایند.

تاریخ نگارش: ۲۲ آوریل (۵ مه) ۱۹۵۰

۲۰

يك تذکرطی بحث در مورد

قطعنامه درباره روابط بین کارگران و روشنفکران در داخل

سازمانهای سوسیال - دمکراتیک

۲۲ آوریل (۱۹۵۵)

من بسختی توانستم در جایم قرار بگیرم وقتی در اینجا گفته شد که کارگری که بدرد کمیته بخورد وجود ندارد. مسأله دارد زیاده از حد کش پیدا می کند؛ پیدا است که حزب ایترادی دارد. کارگران باید در کمیته ها وارد شوند. عجیب است، تنها سه سیاسی نویسن در کنگره حضور دارند و بقیه کمیته چی اند؛ اما اینطور که پیدا است سیاسی نویسان موافق ورود کارگران [به کمیته ها] هستند، در حالی که کمیته چی ها از این قضیه خیلی کفری اند.

بیانیه های رفقا گولوبین (Golubin) و میخائیف بیانیه های بسیار پر ارزشی هستند.

کلیات آثار لنین (انگلیسی)، جلد ۸،

صفحات ۴۰۱ - ۳۷۷

توضیحات

- ۱- اتحادیه کمونیستها - نخستین مجمع بین‌المللی پرولتاریای انقلابی که در تابستان ۱۸۴۷ در لندن درکنگره نمایندگان سازمانهای پرولتری انقلابی بنیان گذارده شد. سازمان دهندگان و رهبران اتحادیه کمونیستها کارل مارکس و فردریک انگلس بودند که از جانب سازمان ما موریت یافتند "مانیفست حزب کمونیست" را برشته تحریر درآورند. اتحادیه کمونیستها تا سال ۱۸۵۲ وجود داشت. برجسته ترین اعضای آن بعدها در انترناسیونال اول نقشهای عمده و موثری ایفا نمودند.
- ۲- اشاره به نامه مورخ ۲۶ ژانویه ۱۸۹۴ انگلس است به فیلیپوتوراتی که در شماره ۲ نشریه ایتالیایی *Critica Sociale*، اول فوریه ۱۸۹۴، با عنوان "انقلاب آینده ایتالیا و حزب سوسیالیست" به چاپ رسید.
- ۳- ترجمه روسی این مقاله انگلس (که در ۱۸۷۳ در "*Internationale aus dem Volkstaat*" به چاپ رسید) توسط لنین ویراستاری گردید و به شکل جزوه بوسیله کمیته مرکزی ح. ک. س. د. ر. در ژنودر سال ۱۹۰۵ و در سنت پترزبورگ در سال ۱۹۰۶ منتشر گردید.
- ۴- وانده (*Vandée*) - بخشی از کشور فرانسه که طی انقلاب بورژوازی اوایل قرن هیجدهم یک شورش دهقانی عقب مانده و ارتجاعی برضد کنوانسیون انقلابی در آن بوقوع پیوست. کشتیان ارتجاعی و ملاکین به کمک شعارهای مذهبی این شورش را طرح و اجرا نمودند.
- ۵- لنین از مقاله مارکس به نام "بورژوازی و ضدانقلاب" مقاله دوم، نوشته شده در ۱۱ دسامبر ۱۸۴۸، نقل قول کرده است.
- ۶- بارزوف - [نام مستعار] بلشویک م. گ. تسخاکایا (*M. G. Tskhakaya*)
- ۷- توزیع عادلانه عمومی (*General Redistribution*) - شعار رایج در بین دهقانان روسیه تزاری که بیانگر اشتیاق آنان به یک تقسیم اراضی عادلانه عمومی بود.



کارگران جهان متحد شوید!

تکثیر از :

دانشجویان عواد از اتحاد مبارزان کمونیست در آلمان فدرال و برلین غربی